

حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی

محمد جواد طبسی

بِسْمِ اللَّهِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی
۷	مشخصات کتاب
۷	آغاز
۷	جایگاه عقیل بن ابیطالب
۸	خاندان عقیل
۸	علت عدم حضور در جنگهای علی
۸	خاندان عقیل در حماسه حسینی
۹	خاندان عقیل در دو آزمایش بزرگ
۹	یک آزمایش دیگر از بنی عقیل
۱۰	فرزندان عقیل
۱۰	اشاره
۱۰	مسلم بن عقیل
۱۰	جعفر بن عقیل
۱۰	عبدالرحمن بن عقیل
۱۱	محمد بن عقیل
۱۱	علی بن عقیل
۱۱	عبدالله الاکبر بن عقیل
۱۱	عون بن عقیل
۱۱	نوادگان عقیل
۱۱	اشاره
۱۱	عبدالله بن مسلم
۱۲	محمد بن مسلم بن عقیل

- محمد بن ابی سعید بن عقیل ۱۲
- جعفر بن محمد بن عقیل ۱۲
- دو نواده دیگر از خاندان عقیل ۱۲
- ابی عبیدالله بن مسلم بن عقیل ۱۳
- شهدای خاندان عقیل از منظر معصومین ۱۳
- اشاره ۱۳
- سخنان امام حسین در روز عاشورا ۱۳
- شهدای عقیل در نگاه امام سجاد ۱۴
- خاندان عقیل در نگاه مهدی ۱۴
- پاورقی ۱۴
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۵

حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی

مشخصات کتاب

عنوان: حماسه خاندان عقیل در قیام حسینی

پدید آورندگان: طبسی، محمدجواد، ۱۳۳۱- (پدید آور)

ناشر: محمدجواد محمدجواد

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: بنی عقیل

قیام عاشورا

آغاز

همانگونه که می‌دانید علت غائی آفرینش انسان برای به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه و رساندن او به کمال مطلق است. از اینرو خداوند منان بر بشر منت نهاد و او را از نیستی به وجودش آورد؛ و این جهان پهناور را که خود مناسبترین بستری است برای شکفتن این استعدادها و بهترین آزمایشگاهی است برای عرضه این شکوفه‌ها در اختیار انسان قرار داد. خوشبختانه برخی در این دنیا از فرصتها بهترین استفاده را کرده و با تفکر و بینش قوی که داشتند با جدّیت گام برداشته و به مطلوب خود رسیدند و برخی هم در دام زخارف دنیا گرفتار شده و از قافله کمال عقب ماندند. و نهضت امام حسین(ع) که خود یکی از همین آزمایشهای الهی بود برخی بی تفاوت از کنار آن گذشتند و برخی دیگر همانند خاندان عقیل خود را در دریای موج و پر تلاطم و طوفانی انداختند تا خود را به کشتی نجات و راه روشن حسین بن علی(ع) برسانند. آن جوانان پرشور و نشاطی که خاتمه تمام کمالات اخلاقی و علمی خود را با خط سرخ شهادت رقم زدند. و آنانکه هنوز دنیا نیامده بودند پیامبر از شهادت برخی این عزیزان خبر داده و برایش اشک ریخته است و آنها که امام حسین(ع) بر قاتلان نشان لعنت فرستاده و امام سجاد سخت به آنها عشق می‌ورزیده است. اینک به پاس آن رشادتها و جانبازیهای این جوانان عاشق و دلداده، این نوشتار کوتاه را که در حقیقت نگاهی کوتاه بر حماسه خاندان عقیل در نهضت و قیام امام حسین(ع) می‌باشد، به ادامه دهندگان راهشان تقدیم می‌کنیم.

جایگاه عقیل بن ابیطالب

جناب ابوطالب - علیه الرحمه - چهار فرزند داشت به نامهای طالب، عقیل، جعفر و علی(ع) به ترتیب هر یک ده سال از دیگری بزرگتر بودند و به جز طالب که سرنوشت او بدرستی روشن نیست هر کدام نقش بسیار مهمی را در عالم اسلام ایفا کرده‌اند. و عقیل بن ابی طالب که دومین فرزند این خانواده می‌باشد، اگرچه بینایی خود را از دست داده بود، اما او از هوش و استعداد بسیار خوبی برخوردار بوده از جمله به خوبی از اصل و ریشه طوایف و قبایل عرب آگاه بود از اینرو به نسابه عرب معروف گشته بود. [۱] عقیل با اسلام آوردن و هجرت خود به مدینه هم پیامبر را خوشحال کرد و هم سایر بنی‌هاشم را. و در جنگ موته همراه برادرش

جعفر بن ابی طالب حضور داشت. [۲]. عقیل در بین مسلمانان جایگاه خوبی داشت بویژه در نزد پیامبر اسلام که سخت مورد محبت و علاقه آن حضرت بود و این محبت و دوستی را بارها اظهار کرده و به وی می‌فرمود: من تو را به دو جهت دوست می‌دارم یکی اینکه خودت دوست داشتنی هستی و دیگر اینکه چون ابوطالب تو را بسیار دوست می‌داشت. [۳].

خاندان عقیل

عقیل بن ابی طالب از چند همسر و کنیزی که داشت از نعمت فرزندان خوبی برخوردار بود و در تاریخ نامی از آنها به جز کسانی که در نهضت امام حسین (ع) شرکت جسته‌اند به چشم نمی‌خورد. مسلم بن عقیل، عبدالله اکبر، علی، محمد، ابی سعید، عبدالرحمن و جعفر جزو فرزندان عقیل می‌باشند. [۴]. در فرزندان عقیل علاوه بر ایمان، تعهد، اخلاص، شجاعت، جود و سخاوت، قابلیت‌های فراوانی دیده می‌شد. چرا که برخی از فرزندان وی جزو فقها و سخنوران بوده‌اند. [۵].

علت عدم حضور در جنگ‌های علی

با اینکه عقیل حدود بیست سال از علی (ع) بزرگتر بود طبعاً فرزندان بزرگتری هم داشته اما نام هیچکدام از آنها را در جنگ‌های سه گانه امیرمؤمنان نمی‌یابیم و دلیل روشنی هم بر عدم حضور آنان نیافتیم. اما عدم حضور خود عقیل این است که ظاهراً در آن روزها بینایی خود را از دست داده بود و درباره سایر فرزندان‌ش باید گفت یا اصلاً شرکت نکرده‌اند و یا حضور داشته‌اند اما نامشان در شمار شرکت کنندگان نیامده است. شاید از نامه‌ای که عقیل به برادرش علی (ع) نوشته بتوان استفاده کرد که او و فرزندان‌ش می‌خواست در جنگ‌های علی حضور داشته باشد اما این مولا علی بود که به وی اجازه شرکت را نداده بود. چنانچه مرحوم محدث قمی می‌نویسد: ولم یشهد مع أخیه امیرالمؤمنین من حروبه ایام خلافت و عرض نفسه و ولده علیه فأعفاه و لم یكلفه حضور الحرب. [۶]. عقیل در هیچ یک از جنگ‌ها با برادرش امیرمؤمنان (ع) در روزهای خلافتش شرکت نکرد و در همان روزها خود و فرزندان‌ش را بر آن حضرت برای شرکت در جنگ عرضه کرد اما امام علی (ع) او را معاف دانست. و یا در آن روزهایی که سستی مردم و خیانت آنها را به علی می‌شنود طی نامه‌ای برای حضرت می‌نویسد و بار دیگر آمادگی خود و فرزندان‌ش را جهت دفاع از امیرمؤمنان اعلام نموده و از حضرت خواستار شده بود که نظر خودش را در این خصوص بنویسد و در آن نامه نوشته بود: علی جان اگر دفاع تا سر حد جان می‌خواهی بگو که به‌مراه برادر و برادرزاده‌هایت در کنار تو خواهیم بود، چرا که مرگ و زندگی را در کنار تو بهتر می‌پسندیم زیرا هیچگاه زندگی را پس از مرگ نمی‌خواهیم. سوگند به خدای جل و علا که زندگی پس از تو برای ما گوارا نخواهد بود. حضرت در پاسخ به عقیل چنین نوشت: اما آنچه را که درباره فرستادن برادر زادگان نوشته بودی بدان که نیازی به آنها ندارم پس در همان جا بمان زیرا به خدا سوگند دوست ندارم اگر کشته شوم همراه من کشته شوید [۷] و از این نامه برمی‌آید که فرزندان عقیل در سن و سالی بوده‌اند که هر یک می‌توانسته در جبهه و جنگ شرکت کند اما علی (ع) اجازه حضور نداده و احتمال دیگری هم هست که بیشتر فرزندان عقیل خردسال و کوچک بوده‌اند چنانچه حضرت درباره آنها چنین فرموده: و رأیت صبیانه شعث الشعور غیر الألوان من فقرهم... [۸] که حضرت در نهج البلاغه از فرزندان عقیل به صبی تعبیر می‌کند و صبی همان فرزندان کوچک را می‌گویند. و دلیلش این است که مسلم بن عقیل در زمان حکومت علی (ع) هشت ساله بوده و با این بیان عدم حضور آنان یک امر طبیعی بوده است.

خاندان عقیل در حماسه حسینی

از زمانیکه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی (ع) به عنوان اعتراض به خلافت یزید، مدینه را به قصد مکه ترک گفت بنی‌هاشم

و بخصوص خاندان عقیل از مواضع به حق امام حسین دفاع کرده و به صف مخالفین نظام بنی‌امیه بویژه یزیدبن معاویه قرار گرفتند. فرزندان عقیل نیز مدینه را ترک گفته و به همراه امام حسین علیه السلام در مکه اقامت کردند و آن روزی که حضرت سفر خود را به کوفه آغاز کرد خاندان عقیل از جمله پیشتازانی بودند که امام را با کمال میل و رغبت همراهی کردند. و شاید بتوان گفت این هم یک دلیلی است بر اینکه فرزندان حضرت عقیل در زمان حکومت امام علی(ع) و جنگهای حضرتش خردسال بوده‌اند؛ چرا که در زمان امام حسین(ع) و آغاز نهضت عاشورا به سن بلوغ و رشد رسیده‌اند که در رکاب حضرت نیز حضور می‌یابند.

خاندان عقیل در دو آزمایش بزرگ

کاروان حسینی همچنان به راه خود ادامه می‌داد تا شبانه به منزل ثعلبیه رسیده و در آنجا فرود آمد. چیزی از مدت استراحت امام و یاران نگذشته بود که دو نفر به نامهای عبدالله بن سلیمان و منذر بن المشمعل اسدی با بدست آوردن اخبار ناگواری از کوفه به خدمت امام(ع) رسیدند. پس از سلام، عرض کردند خبری به حضورتان آورده‌ایم. اگر صلاح می‌دانید در جمع یاران بگوئیم و اگر صلاح نمی‌دانید در پنهانی گزارش کنیم. حضرت با نگاهی به ما و سایر یاران خود، فرمود: من چیزی از اینان پنهان ندارم، خبرتا ترا نزد همه بگوئید. گفتیم آیا بخاطر داری دیشب که می‌آمدی بر سر راهت به سواره‌ای که از کوفه می‌آمد برخورد کردی و چند لحظه درنگ کردی و سپس به راه خود ادامه دادی؟ حضرت فرمود: آری و می‌خواستم از او سؤالاتی بنمایم. گفتیم آری به خدا سوگند ما اخبار کوفه را از او جویا شدیم و او فردی از طایفه ما بود. او چنین گفت که من از کوفه بیرون نیامدم تا مسلم و هانی کشته شدند و به چشم خود دیدم که طناب به پای آن دو بسته و در کوچه و بازار کوفه می‌کشاندند. حضرت با شنیدن این خبر چند مرتبه انا لله و انا الیه راجعون را بر زبان جاری ساخته و پیوسته می‌فرمود خدا رحمت کند مسلم و هانی را. [۹] و به نقل سید در لهوف: امام حسین(ع) گریه‌اش گرفت و فرمود: خدای رحمت کند مسلم را که به سوی روح و ریحان خدا و بهشت و رضوانش شتافت و آنچه که بر او بود انجام داد... [۱۰]. همو اضافه می‌کند که با رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل غوغایی به پا شد و آن منزل یکپارچه صدای ضجه، گریه و ناله شده و برای مصیبت مسلم اشکها سرازیر شد. [۱۱]. سپس آن دو نفر امام را به خدا سوگند دادند که از همین جا برگردد زیرا در کوفه یآوری نخواهی داشت و بیم آن را داریم که این ماجرا درباره تو تکرار گردد. [۱۲]. در اینجا تنها گروهی که نظرشان برای سایر یاران امام حسین(ع) بسیار مهم بود خاندان عقیل بود که خبر شهادت مسلم را دریافت کرده بود. از اینرو با یک شور و حماسه فراوانی راه سخن را بر آن دو نفر اسدی بسته و چنین گفتند: سوگند به خدا هرگز بر نمی‌گردیم تا انتقام خود را بگیریم و یا آنکه مرگ را همانند برادرمان مسلم بچشمیم [۱۳] و با این جملات شورانگیز و این ایستادگی و شهامت به کسانی که فکر می‌کردند آنان همانند دیگران که بر سر دو راهی قرار گرفته و یا قصد بازگشت را دارند پاسخ بسیار محکمی بود، اینجا بود که امام(ع) با نگاهی که به آن دو اسدی می‌کرد با یک جمله موضع قاطع و صریح خود را بیان داشت و آن جمله این بود که حضرت فرمود: لا- خیر فی العیش بعد هؤلاء [۱۴]، از پس شهادت اینان هیچ خیری در زندگی نمی‌باشد. این به گفت و دستوره‌ای بعدی را صادر فرمود.

یک آزمایش دیگر از بنی عقیل

در شب عاشورا هنگامی که امام حسین(ع) در تاریکی شب خطبه خواند و به تمام یاران اجازه رفتن داد، برادران و فرزندان برادرش و همچنین فرزندان عبدالله جعفر در ادامه سخنان حضرت قمر بنی‌هاشم پاسخ دادند: هرگز چنین کاری نخواهیم کرد! برای آنکه پس از تو زنده باشیم؟! خداوند چنین روزی را به ما نشان ندهد. اینجا بود که امام حسین(ع) نگاهی به فرزندان عقیل کرده و فرمود:

عزیزانم شهادت مسلم شما را بس است، به شما اجازه می‌دهم که بروید فرزندان عقیل که خود را در یک آزمایشی دیگر می‌دیدند، در پاسخ امام(ع) یکصدا گفتند: سبحان الله فما يقول الناس، مردم درباره ما چه می‌گویند؟! آیا نخواهند گفت که ما سید و بزرگ خودمان را در سخت‌ترین شرایط رها کرده در حالیکه نه با آنان تیری زده و نه نیزه‌ای به دشمن وارد ساخته و نه در حمایت از آنها شمشیری زده باشیم. نه به خدا سوگند هرگز نمی‌رویم بلکه جان و مال و اهل و کسان خودمان را فدای تو می‌کنیم. همراه تو خواهیم جنگید تا به جایگاهت وارد شویم. حسین جان خداوند آن زندگی پس از تو را برای ما زشت گرداند. [۱۵]. و این بار نیز با پاسخهای قاطع و صریح خود از این امتحان و آزمایش با سربلندی و افتخار بیرون آمدند.

فرزندان عقیل

اشاره

همانگونه که گفتیم تعدادی از فرزندان عقیل بن ابی‌طالب با انتخاب خط سرخ شهادت آماده از امام خویش جانانه دفاع کردند و مظلومانه به شهادت رسیدند از جمله:

مسلم بن عقیل

مسلم که سلسله جنبان این خاندان بود، با مقامی بس والا در نزد امام حسین(ع) که افتخار دامادی امیرالمؤمنین را نیز داشت و از رقیه دختر علی اولادی بهمرسانیده بود، شخصیتی بزرگ و مورد اعتماد ابی‌عبدالله(ع) و به عنوان نماینده ویژه و سفیر آن حضرت انتخاب شده و به کوفه فرستاده شد تا با سنجیدن شرایط و اوضاع کوفه و بیعت گرفتن از مردم آن سامان اخبار را به آن حضرت گزارش کند. اقدامات مسلم پس از ورود به کوفه در تاریخ ثبت شده و برای همیشه قابل تقدیر و ستایش است. او همچنان به وظیفه خود در پیشبرد این قیام مردمی با کمال دقت و مراقبت عمل می‌کرد به گونه‌ای که کوفه را پذیرای ورود امام حسین(ع) نمود، اما یکبار به آمدن عیبدالله بن زیاد اوضاع به هم خورده و سخت پیچیده گشت و در نهایت مسلم بن عقیل پس از ابراز آن حماسه جاوید و نشان دادن آن همه شجاعت و پایمردی سرانجام با اعطای امان دروغین به او، در دام جلاخان عیبدالله بن زیاد افتاده و پس از یک برخورد شدید با عیبدالله به طرز فجیعی در کوفه به شهادت رسید و پیکر پاک و مطهرش را از بالای قصر الاماره به پائین پرتاب کردند. [۱۶].

جعفر بن عقیل

مادرش ام‌الثغر دختر عامر عامری از طایفه بنی‌کلاب می‌باشد. مقاتل الطالبيين، ص ۹۳. از جمله افتخار آفرینان خاندان عقیل بود که به میدان نبرد شتافت. وی در ابتدا رجز خواند و چنین گفت: من جوان ابطحی طالبی و از خاندان بنی‌هاشم و غالب هستم، ما به تحقیق از بزرگان و سادات هستیم و حسین در میان ما پاکیزه‌ترین پاکان است. آنگاه مردانه جنگید تا بوسیله عروه بن عبدالله خنعمی بشرف شهادت نائل آمد. [۱۷]. و بنا بر نقل ابن شهر آشوب در این نبرد بی‌امان پانزده نفر را کشته تا اینکه به دست بشر بن حوط به شهادت رسید. [۱۸] و برخی دیگر شهادت جعفر بن عقیل را در وقت حمله دستجمعی آل ابی‌طالب می‌دانند که در آن حمله جمعی از خاندان ابوطالب از جمله جعفر بن عقیل شرکت داشته است. [۱۹].

عبدالرحمن بن عقیل

سومین فرزند عقیل، عبدالرحمن [۲۰] بود که پس از حمله خاندان ابوطالب به میدان رزم رفته و با خواندن این رجز به جنگ با دشمن پرداخت: پدرم عقیل است و جایگاهم را از بنی هاشم بشناسید، و هاشم برادران منند، آنانکه پیران راستگویی و سادات قرآن بوده‌اند و این حسین است که از نظر مقام و مرتبت دارای مقامی رفیع و بلند مرتبه است. سپس به جنگ کوفیان رفته و هفده نفر از آنان را به هلاکت انداخت. کوفیان اطرافش را گرفته و او را از پای درآوردند، سرانجام عثمان بن خالد بن اشم جهنی [۲۱] و بشر بن حوط همدانی را به شهادت رساندند. [۲۲].

محمد بن عقیل

محمد بن عقیل بن ابی طالب یکی از فقهای زمان خود بوده و در روز عاشورا همراه برادران خود به میدان نبرد رفته و در مقابل حضرت سیدالشهداء(ع) به شهادت رسید. [۲۳].

علی بن عقیل

علی نیز همانند برادران خود با کسب اجازه از حضرت امام حسین(ع) با دشمن وارد نبرد شده و جنگ سختی کرد، [۲۴] سرانجام به دست کوفیان به شهادت رسید.

عبدالله الاکبر بن عقیل

و عبدالله اکبر نیز پس از جنگ سختی که با دشمن کرد، دو نفر به نام عثمان بن خالد جهنی و مرد دیگری از همدان بر او حمله کرده و به شهادت رساندند. [۲۵].

عون بن عقیل

و در مناقب ابن شهر آشوب برای عقیل فرزند دیگری یادآوری می‌کند به نام عون که در کربلا شهید گشته است. [۲۶].

نوادگان عقیل

اشاره

ابن شهر آشوب [۲۷] و دیگران تعداد شهدای نوادگان عقیل را چهار نفر می‌دانند که برخی پدرشان همانند مسلم پیشاپیش در کوفه شهید شده بود و برخی پدرشان همانند جعفر همراهشان بوده و برخی دیگر پدرشان همانند ابی سعید در کربلا حضور نداشته و به ترتیب خاطره جاوید این چهار نواده عزیز را از نظر می‌گذرانیم:

عبدالله بن مسلم

با به شهادت رسیدن علی اکبر، اولین نفری که از خاندان عقیل پا به میدان نبرد گذارد عبدالله بن مسلم بن عقیل بود که از جهتی نواده امیرمؤمنان(ع) نیز بوده است. [۲۸]. وی در حین حمله به دشمن رجز می‌خواند و خود را چنین معرفی می‌کرد: امروز پدرم مسلم را ملاقات خواهم کرد و با آن گروهی که بر دین پیامبر از دنیا رفته، آنها همانند گروهی که مشهور به دروغ هستند نباشند بلکه از خوبان و دارای نسب کریمند. عبدالله مردانه جنگید و در سه نوبت حمله‌ای که به دشمن کرد نود و هشت نفر را به هلاکت رساند.

شیخ مفید روایت کرده که عمرو بن صبیح تیری به سوی عبدالله انداخت، عبدالله دست جلوی پیشانی گرفت که تیر آمد و کف دستش را بر پیشانیش دوخت عبدالله نتوانست دست خود را حرکت دهد، اینجا بود که جنایت پیشه دیگری نیزه‌ای در قلبش فرود آورده او را شهید کرد. [۲۹]. و در بین مورخان اختلاف است که قاتل عبدالله بن مسلم بن عقیل چه کسی می‌باشد از حمید بن مسلم نقل شده که قاتل عبدالله، عمرو بن صبیح بوده که یک تیر را بر پیشانی وی زده و با تیر دوم قلبش را نشانه رفته و شکافته است. [۳۰] ابن شهر آشوب گوید عمرو بن صبیح و اسد بن مالک، عبدالله را کشته‌اند. [۳۱] علامه مفرم، کشته شدن عبدالله را به یزید بن الرقاد و یک نفر دیگر نسبت داده است [۳۲] و خلاصه قاتل عبدالله هر جنایتکاری می‌خواهد باشد، این مهم نیست بلکه مهم آنست که شجاعت و پایمردی عبدالله بن مسلم را از مجموع این گفتارها به دست آوریم و این مسئله بوضوح روشن است زیرا رزمنده‌ای که از لشکر امام حسین وارد میدان گردد و تعداد نود و هشت نفر از سپاه دشمن را به هلاکت برساند، مسئله‌ای غیر قابل تحمل برای عمر بن سعد بود، از اینرو به جای جنگ تن به تن از دور مغز و قلب عبدالله را نشانه گرفته و وجود نازنینش را از پای در می‌آورند. آخرین گفتار عبدالله بن مسلم: و سرانجام عبدالله با شکافته شدن قلب نازنینش در حالیکه دستش به پیشانیش دوخته شده بود، این جملات را در آخرین لحظات بر زبان جاری ساخت. خدایا این گروه ما را کم به حساب آوردند و ما را خوار کردند، خدایا آنان را بکش همانگونه که ما را کشتند. [۳۳].

محمد بن مسلم بن عقیل

پس از شهادت عبدالله بن مسلم بن عقیل بنی هاشم و فرزندان ابی طالب بصورت هماهنگ بر سپاه کوفه حمله کردند و در این حمله بود که محمد بن مسلم به روی زمین افتاد و او را ابو مرهم ازدی و لقیط بن ایاس جهنی به شهادت رساندند. [۳۴].

محمد بن ابی سعید بن عقیل

چون امام حسین (ع) شهید شد نوجوانی از خیمه بیرون آمد در حالیکه نگران بود و به طرف چپ و راست خود با دل نگرانی نگاه می‌کرد، سواری بر او حمله کرد و ضربتی بر او وارد ساخت، از نام و نشان پرسیدم، گفتند که او محمد بن ابی سعید بن عقیل است، از نام و نشان آن سوار پرسیدم، گفتند: لقیط بن ایاس جهنی است. هانی بن ثابت حضرمی می‌گوید: من در کربلا به هنگام کشته شدن امام حسین (ع) حضور داشتم و ما ده سوار بودیم و من دهمین نفر آنها بودم که اسبان را در میدان به جولان درآوردیم، ناگهان نوجوانی از اهل بیت حسین از خیمه بیرون آمد، در حالی که چوبی در دست و پیراهنی در بر داشت و به راست و چپ خود می‌نگریست، در این هنگام سواری به او نزدیک شد و بدن او را با شمشیر پاره کرد. هشام کلبی ناقل این خبر می‌گوید: هانی بن ثابت خود قاتل آن نوجوان بود ولی از ترس نام خود را ذکر نکرده است. [۳۵].

جعفر بن محمد بن عقیل

ابن شهر آشوب به نواده چهارمی از عقیل به نام جعفر اشاره می‌کند که پدرش نیز در کربلا حضور داشته و جزو شهدای کربلا می‌باشد. همانگونه که فرزند دیگری نیز به عنوان عون برای عقیل ذکر می‌کند که در سایر مقاتل یافت نمی‌شود، و از ذکر نام فراتر نرفته تا از خصوصیات آنها اطلاعات بیشتری داشته باشیم. [۳۶].

دو نواده دیگر از خاندان عقیل

یکسال پس از حادثه عاشورا دو کودک دیگر از فرزندان مسلم بن عقیل به نام محمد و ابراهیم به شهادت رسیدند که در بین

مورّخین اختلاف هست که این دو کودک چه وقت و در کجا اسیر شدند. مرحوم صدوق در امالی [۳۷] آورده است چون امام حسین شهید گردید دو پسر کوچک از لشکر گاهش اسیر شدند و آنها را به نزد عیبدالله آورده، او زندانبان را احضار کرده و به او گفت این دو کودک را به زندان ببر و خوراک خوب و آب سرد به آنها نده و بر آن دو سخت گیری کن، این دو کودک در زندان روزها روزه می گرفتند و شب دو قرص نان جو و یک کوزه آب برای آنها می آوردند تا یک سال بدین منوال گذشت... [۳۸]. و برخی دیگر معتقدند که این دو کودک همراه پدرشان مسلم بن عقیل به کوفه آمدند و پس از شهادت مسلم بن عقیل، عیبدالله بن زیاد این دو فرزند را به دست شریح قاضی سپرد که از آنها نگهداری کند... [۳۹]. اما آوردن این دو به همراه پدرشان اگرچه بعید نیست زیرا مسلم بن عقیل پس از ترک مکه بار دیگر به مدینه رفته و ممکن است این دو کودک را به همراه خود به کوفه برده باشد اما این نظر بدلایلی چندان صحیح به نظر نمی رسد، زیرا این سؤال مطرح است که چرا در وصیت نامه مسلم نامی از این دو فرزند نیامده که این دو فرزند را به کاروان امام حسین (ع) که در بین راه هستند بسپارید. ثانیاً مگر مورّخین نوشته اند که مسلم بن عقیل در شب حادثه در کوفه حیران و تنها مانده بود که به طرف خانه زنی به نام طوعه رفت. و اگر این دو کودک همراه پدرشان در خانه طوعه بودند چرا گزارشگر خبر مسلم خبری از آنها نداد افزون بر این در هیچ کتابی یافت نشده که این دو کودک در خانه هانی دستگیر شده باشند. و امّا نسبت به نظر مرحوم صدوق: ممکن است نظر ایشان این باشد که این دو کودک، به هنگام هجوم به چادرها پا به فرار گذارده و در نقطه دور دستی در دام لشکر عمر بن سعد افتاده و به کوفه برده شده اند اما جای این سؤال هست که چرا از بین اسرا فقط این دو کودک به زندان برده شده و چرا حضرت زینب عکس العملی از خود نشان نداده و چرا در این مدتی که اهل بیت در کوفه و شام بوده اند نامی از این دو کودک زندانی نبرده اند. بهر حال اسارتشان بهر شکل و در هر جا بوده باشد، این ماجرای غم انگیز را مرحوم شیخ صدوق در امالی در مجلس نوزدهم آورده که سرانجام این دو کودک با معرفی کردن خود به زندانبان و فرار کردن از زندان بار دیگر در دام یکی از جلادان عیبدالله بن زیاد افتاده و در کنار نهر فرات بطرز فجیعی مظلومانه به شهادت می رسند.

ابی عیبدالله بن مسلم بن عقیل

و بر زبان امام زمان (ع) نواده هفتمی به نام عیبدالله بن مسلم آمده که حضرت بر او سلام می فرستد و بر قاتلش عمرو بن صبیح نفرین می کند. [۴۰].

شهادی خاندان عقیل از منظر معصومین

اشاره

علاوه بر گریه پیامبر (ص) بر برخی از شهدای خاندان عقیل، سخنان دیگری از سایر معصومین علیهم السلام نسبت به این عزیزان افتخارآمیز رسیده است که به عنوان حسن ختام این بحث به ذکر آنها بسنده می کنیم:

سخنان امام حسین در روز عاشورا

و در روز عاشورا به هنگامیکه حمله دستجمعی و هماهنگ خاندان ابوطالب شروع شد در همان حمله عده‌ای از جوانان خاندان عقیل به شهادت رسیدند، حضرت ابی عبدالله (ع) سخنان زیر را در صبر و پایداری و ایستادگی آنها در برابر دشمن فرموده: ای عموزادگان من صبر و مقاومت کنید، و ای اهل بیت من شکیا باشید که بعد از امروز دیگر هرگز روی سختی و مصیبت را نخواهید

دید. [۴۱] همچنین می‌فرمود: خدایا قاتلان عقیل را نابود کن. ای آل عقیل صبر و مقاومت کنید که وعده‌گاه بهشت است. [۴۲].

شهدای عقیل در نگاه امام سجاد

و امام سجاد علیه السلام هرگاه بیاد خاندان عقیل می‌افتاد دلش برای آنها می‌شکست. چنانچه آورده‌اند که آن حضرت خاندان عقیل را بسیار دوست می‌داشته و حتی آن‌ها را بر خاندان جعفر مقدم می‌داشته، برخی که اشکال می‌گرفتند حضرت در پاسخ می‌فرمود من هر وقت که به یاد حماسه بزرگ آنان و دفاعشان از ابی‌عبدالله(ع) می‌افتم دلم برای آنها می‌شکند. [۴۳].

خاندان عقیل در نگاه مهدی

و در زیارت ناحیه مقدسه، حضرت بقیه الله(ع) به پنج نفر از شهدای خاندان عقیل به نام، اشاره فرموده و سلام می‌دهد و بر قاتلان نشان نفرین می‌فرستد که دو تای آنها از فرزندان و سه تای دیگر از نوادگان عقیل بن ابی طالب می‌باشند، آنجا که می‌فرماید: السلام علی جعفر بن عقیل و لعن الله قاتله و رامیه بشر بن حوط الهمدانی... السلام علی عبدالرحمن بن عقیل، لعن الله قاتله و رامیه عثمان بن خالد... السلام علی القتیل بن القتیل عبدالله بن مسلم بن عقیل و لعن الله قاتله عامر بن صعصعه... السلام علی عبیدالله بن مسلم بن عقیل و لعن الله قاتله و رامیه عمرو بن صبیح الصیداوی... السلام علی محمد بن ابی سعید بن عقیل و لعن الله قاتله لقیط بن ناشر الجهنی. [۴۴]. این بود خلاصه ای از حماسه جوانان خاندان عقیل که با اقدامات اعجاب انگیز خود بزرگترین درس را به جوانان عاشق کمال و ترقی تقدیم آنها کردند، چرا که ثابت کردند که در جریانات انحرافی چگونه راه صحیح خود را پیدا کرده و هرگز فریب الفاظ پوچ و زیبایهای کاذب را نخوردند. به امید پیروی از راه جاویدشان.

پاورقی

[۱] سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۵.

[۲] همان.

[۳] سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۰۰.

[۴] در مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۲، فرزند دیگری به نام عون ذکر کرده است.

[۵] مقاتل الطالبین، ص ۹۴.

[۶] سفینه البحار، ج ۲؛ ص ۲۱۵.

[۷] همان.

[۸] نهج البلاغه صبحی الصالح، خطبه ۲۲۴.

[۹] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۲.]

[۱۰] مقتل الحسین، ابن طاووس، ص ۳۱.

[۱۱] همان، ص ۲۰، مقتل الحسین مقرر، ص ۱۷۸.

[۱۲] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۱۳] مقتل الحسین ابو مخنف، ص ۷۸.

[۱۴] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۱۵] اعلام الوری، ص ۲۳۵، مقتل الحسین مقرر، ص ۲۱۳.

- [۱۶] همان، ص ۱۶۳.
- [۱۷] حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۲۵۱.
- [۱۸] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۵.
- [۱۹] مقتل الحسین مقرر، ص ۲۶۲.
- [۲۰] وی افتخار دامادی امیر مؤمنان علی (ع) را داشت.
- [۲۱] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۶.
- [۲۲] ابصار العین، ص ۹۲.
- [۲۳] حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۲۵۲.
- [۲۴] همان، ص ۲۵۳.
- [۲۵] منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۷۸.
- [۲۶] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
- [۲۷] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
- [۲۸] مادر عبدالله رقیه دختر امیر مؤمنان بوده است. فتوح اعثم کوفی، ج ۵، ص ۲۰۳.
- [۲۹] ارشاد، ص ۲۲۳.
- [۳۰] ابصار العین، ص ۹۰.
- [۳۱] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۰۵.
- [۳۲] مقتل الحسین، ص ۲۶۲.
- [۳۳] حیاة الامام الحسین قرشی، ج ۳، ص ۲۵۱.
- [۳۴] قصه کربلا، ص ۳۳۶.
- [۳۵] همان، ص ۳۳۷.
- [۳۶] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۱۲.
- [۳۷] امالی صدوق، ص ۷۴.
- [۳۸] قصه کربلا، ص ۳۹۴.
- [۳۹] زندگانی امام حسین، ص ۳۱۸.
- [۴۰] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۸.
- [۴۱] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۶.
- [۴۲] الامام الحسین قریشی، ج ۳، ص ۲۴۹.
- [۴۳] همان.
- [۴۴] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۶۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۵۳۴۵-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبانهار: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده‌دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید.»

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟»

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.»

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

